

تأثیر پذیری امنیت ملی رژیم صهیونیستی از
چالش‌های ژئوپلیتیکی آنامیررضا مقومی^۱ | مهدی فیروزکوهی^۲

چکیده

رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس (۱۹۴۸) تاکنون با بحران‌های بسیاری روبرو بوده است. در بررسی علل و ریشه‌های این بحران دیدگاه‌های متعددی را می‌توان در نظر گرفت. یکی از این دیدگاه‌ها تأثیر ژئوپلیتیک و محدودیت‌های جغرافیایی این رژیم بر امنیت ملی دولت یهود است. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع کتابخانه‌ای، ضمن مطالعه مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی، تلاش کرده است تا در راستای اهداف تحقیق به این سؤال که رژیم صهیونیستی از بُعد عوامل ثابت ژئوپلیتیکی با چه چالش‌هایی روبه‌روست و این چالش‌ها چه تأثیری بر امنیت ملی این رژیم گذاشته است؟ پاسخ دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در بعد عوامل ثابت ژئوپلیتیکی (موقعیت جغرافیایی، وسعت خاک، وضع توپوگرافی، شکل سرزمین) با چالش‌های عدیده‌ای مواجهه است؛ به گونه‌ای که این چالش‌ها، معضلات امنیتی متعددی را به دولت یهود تحمیل کرده و ابتکار عمل رهبران رژیم صهیونیستی را محدود نموده است. چنین شرایطی، این رژیم را در بن‌بست ژئوپلیتیکی قرار داده؛ به گونه‌ای که اقدامات این رژیم برای رهایی از یک چالش ژئوپلیتیکی، موجب تشدید این چالش‌ها در دیگر عرصه‌ها می‌شود و از این رو می‌توان ادعا کرد که رژیم صهیونیستی در تنگنای ژئوپلیتیکی قرار گرفته است که علاوه بر محدود کردن سیاست‌های رهبران رژیم صهیونیستی، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری بر این رژیم تحمیل می‌کند و ضریب امنیت ملی این رژیم را در تمامی ابعاد کاهش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، عوامل ثابت ژئوپلیتیکی، چالش‌های ژئوپلیتیکی، امنیت ملی

مقدمه

نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، صرفاً به تمایلات، افکار و عقاید رهبران بستگی ندارد و تصمیم‌گیران به آن حدی که تصور می‌شود، در اتخاذ تصمیمات سیاسی آزاد نیستند، بلکه زمینه فعالیت و قدرت آن‌ها بسیار محدود است و عوامل متعددی در اتخاذ تصمیم رهبران دخیل هستند. یکی از این محدودیت‌های تصمیم‌گیری، ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی است. جغرافیا یکی از عواملی است که همواره نقش مهمی در امور بشر داشته و هویت، سرشت و تاریخ دولت‌های ملی را شکل بخشیده و فرصت‌ها و محدودیت‌های بسیاری در ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر سر راه دولت‌ها گذاشته است. همان‌قدر که موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور در عرصه بین‌المللی می‌تواند مزیت‌ها و فرصت‌های عدیده‌ای به وجود آورد، به همان میزان نیز می‌تواند محدودیت‌های ایجاد کند و سیاست‌ها و استراتژی‌های امنیت ملی دولت‌ها را منفعّل سازد و چالش‌های ژئوپلیتیکی گوناگونی خلق کند. از این‌رو عوامل ژئوپلیتیکی و ماهیت جغرافیای سیاسی یک کشور، بر منافع ملی، امنیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور تأثیر می‌گذارد؛ به‌نحوی که چشم‌پوشی از آن می‌تواند بقا و موجودیت یک کشور را تهدید نماید. از این‌رو در کُنه تحلیل‌های ژئوپلیتیک، این باور نهفته است که توانایی اقتصادی و نظامی دولت - ملت‌ها و جایگاهشان در سلسله‌مراتب نظام بین‌الملل و چگونگی ارتباطشان با همسایگان، نتیجه عوامل جغرافیایی است (اکالاها، ۱۳۹۴: ۵۷۶).

در این میان بندرت می‌توان در جهان، مکانی مناسب‌تر از غرب آسیا و شمال آفریقا یافت که در آن بشود مفید بودن دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی را به معرض آزمایش گذاشت. غرب آسیا به‌طور خاص و رژیم صهیونیستی به‌طور عام، از وضعیت ژئوپلیتیکی این منطقه متأثر هستند. رژیم صهیونیستی با فرار گرفتن در قلب منطقه استراتژیک خاورمیانه و شرق دریای مدیترانه، در بعد ژئوپلیتیکی با فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی بسیاری مواجه است. فرار گرفتن رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و در سواحل شرقی دریای مدیترانه، از یک بُعد می‌تواند فرصت‌هایی برای این رژیم خلق نماید؛ به‌طوری که این رژیم می‌تواند از اهمیت این منطقه استراتژیک برای افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی خود بهره برده و با حضور در شرق مدیترانه و کنشگری در حوزه انرژی، قادر باشد تا با افزایش قدرت چانه‌زنی خود، به بازیگری فعال در منطقه و حوزه مدیترانه بدل شود و

وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. علی‌رغم چنین فرصت‌هایی، بررسی عوامل ثابت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که جایگاه جغرافیایی این رژیم، بیش از آنکه برای این موجودیت سود داشته باشد، باعث چالش برای دولت یهود شده است. به گونه‌ای که جامعه رژیم صهیونیستی را می‌توانیم از حیث مسائل ژئوپلیتیکی در محاصره جریان‌های امنیت سوز در نظر بگیریم که امنیت این رژیم را پیوسته مورد تهدید قرار می‌دهد. به سخن دیگر جغرافیا، کابوس امنیتی برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و به گفته کرمی: «فلسطین اشغالی یک نمونه از کشوری است که رابطه جغرافیا و سیاست‌های امنیتی در آن کاملاً قابل درک است. این سرزمین آسیب‌پذیری‌های طبیعی دارد که همواره برای آن مشکل‌ساز بوده است و تاکنون نیز تداوم یافته است» (کرمی، ۱۳۸۶: ۲۷). آیزنکوت و سیبونی نیز در کتاب «استراتژی امنیت ملی اسرائیل»، جغرافیا را مؤلفه اصلی در امنیت ملی این رژیم به حساب می‌آورند (Eisenkot & Siboni, 2019: iii). بر این اساس، در مقاله حاضر نویسندگان به دنبال پاسخ دادن به این سوال هستند که رژیم صهیونیستی در بعد عوامل ثابت ژئوپلیتیکی با چه چالش‌هایی روبه‌روست و این چالش‌ها چه تأثیری بر امنیت ملی این رژیم گذاشته است؟. روش پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی، بر اساس نوع هدف، توسعه‌ای-کاربردی، و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق بر مبنای نوع داده‌ها، کیفی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسنادی بوده و روش تجزیه و تحلیل نیز تاویلی-تفهیمی می‌باشد.

ادبیات تحقیق

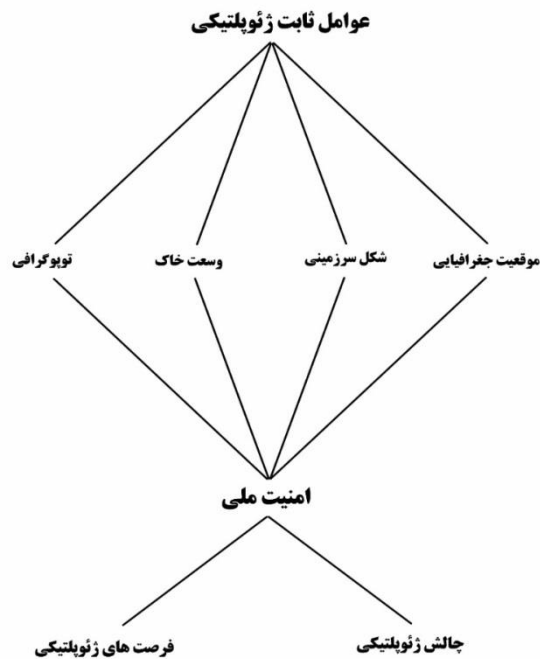
ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک که برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کلین سوئدی به کار برده شد، به بخشی از معلومات حاصله ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست اطلاق می‌شود. برای ژئوپلیتیک تعاریف متعددی ارائه شده است و اندیشمندان از نظر گاه‌های متفاوتی به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش، ژئوپلیتیک به عنوان تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط میان دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. کلی در تعریف ژئوپلیتیک می‌گوید: ژئوپلیتیک مطالعه تأثیرات عوامل جغرافیایی (موقعیت و مکان‌های جغرافیایی، منابع، ویژگی‌های توپوگرافی و جمعیت) بر سیاست‌ها و اقدامات خارجی دولت‌ها است (Kelly, 2016: 23). علی‌اصغر کاظمی

در تعریفی دیگر، ژئوپلیتیک را «شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آن‌ها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آن‌ها را تبیین می‌کند، ژئوپلیتیک نامیده می‌شود» (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۲). عوامل ثابت ژئوپلیتیکی، مبتنی بر موقعیت جغرافیایی، شکل سرزمینی، وسعت خاک و همچنین توپوگرافی است و عوامل متغیر نیز مبتنی بر جمعیت و منابع طبیعی می‌باشد.

چالش ژئوپلیتیکی و امنیت ملی: ایجاد شرایطی برای دولت یا کشوری بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی را چالش ژئوپلیتیکی می‌نامند. واحدهای سیاسی برای تضعیف قدرت، منافع و مصالح کشور رقیب از عوامل و روش‌های مختلفی بهره می‌گیرند و عناصر و ارزش‌های جغرافیایی اعم از متغیر و ثابت، طبیعی و انسانی، مکانی و فضایی از آن دست روش‌ها و ابزارها هستند که باعث می‌شوند تا بازیگر خواسته‌ها و اراده خود را بر واحدها سیاسی رقیب تحمیل کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

در صورت تعریف امنیت ملی به‌عنوان «دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی، تأمین وحدت، موجودیت کشور و رفاه مردم فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد» (روشندل، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۴)، می‌توان ادعا کرد که ضریب امنیت ملی هر واحد سیاسی در ارتباط با فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی است و همبستگی مثبتی با یکدیگر دارند؛ به‌طوری که به هر میزان که چالش‌های ژئوپلیتیکی هر کشوری بیشتر باشد، بر همان میزان از ضریب امنیت ملی آن کاسته می‌شود. بسیار از ژئوپلیتیسین‌ها و اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، همچون مورگنتاؤ، مارتین گلاسز، دیوید جابلنسکی، نیکلاس اسپایکمن، گیدو فیشر، ریچارد مویر و... یکی از اصول اساسی مبانی قدرت ملی کشورها را مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی همچون جغرافیا، سرزمین و جمعیت می‌دانند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۶۰-۲۶۵). مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در عوامل بروز جنگ و صلح، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی، نقش به‌سزایی دارد و از این رو در امنیت ملی کشورها و سیاست داخلی و خارجی آن‌ها نقش کم‌نظیری ایفا می‌کنند. بنابراین امنیت ملی، از تجمع و تجلی ظرفیت‌های طبیعی، بهره‌برداری و راهبردی حاصل می‌شود

که ظرفیت‌های طبیعی در واقع همان ژئوپلیتیک است و ژئوپلیتیک نحوه نگرش رهبران ملی به دنیای خارج و نحوه اتخاذ تصمیمات امنیت ملی را شکل می‌دهد (Rhodes, 2019: 96). از این رو می‌توان ادعا کرد که شرایط مناسب ژئوپلیتیکی و بهره‌برداری مناسب رهبران از آن‌ها، می‌تواند موجب «افزایش ضریب امنیت ملی» یک کشور شود و «فرصت‌های ژئوپلیتیکی» عدیده‌ای برای دولت‌ها به وجود آورد. در مقابل، وجود محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و عدم راهبرد مناسب دولتمردان برای مدیریت محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، می‌تواند منجر به «چالش‌های ژئوپلیتیکی» و در ادامه آن منجر به «کاهش ضریب امنیت ملی» کشورها شود و حتی در بلندمدت، امنیت وجودی آن‌ها را به خطر اندازد. بنابراین دو مفهوم ژئوپلیتیک و امنیت ملی ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که آموس گیورا، استاد دانشگاه یوتا، معتقد است که میان ژئوپلیتیک و امنیت پیوندی بیشتر از آنچه به راحتی در نظر گرفته می‌شود وجود دارد؛ چراکه یکی از آن‌ها درک دیگری را تقویت می‌کند و موجب فهم بیشتر از موضوع می‌شود (Guiora, 2014: 1).



نمودار ۱. چارچوب مفهومی (نگارندگان)

پیشینه پژوهش

پیرامون امنیت ملی رژیم صهیونیستی کتب و مقالات متنوعی به رشته تحریر درآمده است؛ اما کمتر نویسنده‌ای به ابعاد ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی این رژیم پرداخته است. منابعی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، یا صرفاً به برخی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی اشاره کرده‌اند یا از رویکردهای هویتی و سازه‌انگارانه به موضوع نگریسته‌اند و یا تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی را بر سیاست خارجی این رژیم مورد واکاوی قرار داده‌اند. بر همین اساس، نوآوری مقاله حاضر با مقالاتی که در ذیل بررسی خواهد شد این است که سعی کرده چالش‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی را در بعد عوامل ثابت ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار دهد و چگونگی تأثیرگذاری آن را بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی واکاوی کند. در ادامه به چند مورد از آثاری که با موضوع پژوهش ارتباط نزدیک‌تری دارند می‌پردازیم.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	عنوان تحقیق	محقق / سال
نویسندگان با اشاره ضمنی به مفروضاتی درباره ویژگی‌های درون‌گفتمانی سازنده رژیم صهیونیستی، مبتنی بر عناصر سازنده هویتی و چگونگی ایجاد دگرهای هویتی در این جامعه، با استفاده از نظریه سازه‌انگاری و همچنین نگاه به ارتباط این عناصر با سرزمین موعود، نقش محیط امنیتی ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی را با عنایت به شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی این موجودیت بر تشدید دگرسازی در رژیم صهیونیستی و گفتمان هویتی حاکم بر آن مورد بررسی قرار داده و در این راستا به پردازش اجمالی دگرهای رژیم صهیونیستی در منطقه و سیاست امنیتی این رژیم پرداخته، و تأثیر آن بر سیاست خارجی این رژیم را بررسی کرده است.	محیط امنیتی ژئوپلیتیک اسرائیل و دگرهای هویتی آن	فقیه زاده گرچی، اسلامی و جمشیدی (۲۰۱۹)
نویسنده تلاش کرده است به تأثیر جغرافیای سیاسی بر مناقشات خاورمیانه و به‌ویژه درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی بپردازد. نویسنده معتقد است که ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی، سیاست داخلی و خارجی این موجودیت را تحت‌الشعاع قرار داده و بر استراتژی‌های امنیتی و نظامی این رژیم تأثیر گذاشته و از جاه‌طلبی این رژیم که در شعار از نیل تا فرات نمود پیدا می‌کند، کاسته است.	جغرافیای سیاسی و تأثیر آن بر درگیری‌ها در خاورمیانه: مطالعه موردی اسرائیل و اعراب	مهدی دهاب حسن دهاب (۲۰۱۹)

جدول ۱. پیشینه پژوهش

محقق / سال	عنوان تحقیق	متغیرهای مورد بررسی
صادقی، احمدی و حسین‌خانی (۱۴۰۰)	تنگناها و چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی	نویسندگان مهم‌ترین تنگناها و چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی را مورد ارزیابی قرار دهد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، با اینکه رژیم صهیونیستی برخی فرصت‌ها را در اختیار دارد که از نقاط قوت آن به شمار می‌رود، در عین حال، با تنگناها و چالش‌های بزرگی نیز روبرو است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به شکاف و دودستگی‌های سیاسی، اجتماعی و قومی، وابستگی جدی به مهاجرت و پدیده مهاجرت معکوس، بحران هیدروپلیتیک و انرژی، وضعیت دشوار جغرافیایی و نداشتن عمق استراتژیک و نقش‌آفرینی محور مقاومت اشاره کرد.
حمیدی و قاسمی (۱۴۰۰)	واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه)	نویسندگان با بهره‌گیری از نظریات ژئوپلیتیک و تحلیل درون‌مایه‌های ژئوپلیتیک سوریه و رژیم صهیونیستی، پیوند ژنوم آب و زمین را بر سیاست خارجی تنش‌زا میان دو کشور رژیم صهیونیستی و سوریه را مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان معتقدند که رویکرد بحران‌زا و تعارضی رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه ریشه در ژنوم ژئوپلیتیکی آن‌ها دارد که این امر در تحلیل مداخلات رژیم صهیونیستی در بحران سوریه نیز مصداق دارد
شولومو حسن (۲۰۱۰)	معضل ژئوپلیتیکی اسرائیل	نویسنده در تلاش است به این سؤال که چگونه می‌توان یک کشور یهودی دموکراتیک با مرزهای امن ایجاد کرد، پاسخ دهد. نویسنده در این مقاله با تمرکز بر درگیری رژیم صهیونیستی با فلسطین در سرزمین‌های اشغالی، معضل ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی را با تأکید بر مرزهای این رژیم، مورد بررسی قرار می‌دهد و پنج رویکرد ژئوپلیتیکی در خصوص مرزهای رژیم صهیونیستی که شامل مرز ۱۹۴۹، مرز قابل دفاع، مرز موقت، مرز کدر و مرز اسرائیل بزرگ است را بررسی می‌کند و ادله هر کدام از مدافعان رویکردها را نیز بیان می‌کند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	عنوان تحقیق	محقق / سال
نویسنده به تأثیر ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می‌پردازد. نویسنده معتقد است که منطقه‌ای که رژیم صهیونیستی در آن واقع شده است و مسئله آب، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی این رژیم داشته است. افزون بر این، نویسنده ابراز می‌کند که گزینه‌های سیاست خارجی اسرائیل که مبتنی بر انزواطلبی، توسعه‌طلبی و اقدامات آشتی‌جویانه است، با شرایط ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی همپوشانی دارد و عملاً سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در پاسخ به عوامل ژئوپلیتیکی است.	ژئوپلیتیک اسرائیل: نظریه‌ها و مطالعات موردی	تیریو کیندولسکیو (۲۰۰۹)

یافته‌های تحقیق

بررسی عوامل ثابت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی

عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند. این عوامل شامل موقعیت جغرافیایی، وسعت خاک، وضعیت توپوگرافی (شامل مرزها، شبکه آب‌ها و ناهمواری‌ها) و در نهایت شکل کشور می‌باشد. در بخش اول، صرفاً به توصیف عوامل ثابت ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی می‌پردازیم و در بخش دوم سعی خواهیم کرد با تجزیه و تحلیل این عوامل، تأثیر آن را بر امنیت ملی دولت یهود مورد بررسی قرار دهیم.

موقعیت جغرافیایی: موقعیت جغرافیایی به عنوان عامل اصلی ثابت تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک کشورها مطرح می‌باشد. از این رو، شناسایی موقعیت جغرافیایی کشورها اولین قدم در بررسی‌های ژئوپلیتیک یک واحد سیاسی است. مورگنتاو در کتاب «سیاست میان ملت‌ها» معتقد است که موقعیت جغرافیایی مسئله‌ای است که همواره اهمیت دارد و باثبات‌ترین عاملی است که شالوده قدرت ملی را تشکیل می‌دهد (Morgenthau, 1948: 80) و از این رو بررسی این مؤلفه در ژئوپلیتیک کشورها و واحدهای سیاسی به طور عام و رژیم صهیونیستی به طور خاص حائز اهمیت است. موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی را می‌توان در بعد موقعیت ریاضی و موقعیت نسبی مورد بررسی قرار داد. از بعد موقعیت ریاضی، رژیم صهیونیستی میان عرض‌های شمالی ۳۰ تا ۳۱

درجه و طول شرقی ۳۴ و ۴۵ درجه قرار گرفته است (World Fact Book, 2022). در مطالعات ژئوپلیتیک، موقعیت نسبی کشورها اهمیت مضاعفی دارد؛ چراکه به طور کلی حدود شرکت و فعالیت‌های هر واحد سیاسی در امور بین‌المللی، اغلب بستگی به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن با دیگر همسایگان دارد. موقعیت نسبی رژیم صهیونیستی را می‌توان به سه رکن کلیدی تقسیم نمود؛ ۱- قرار گرفتن در منطقه استراتژیک غرب آسیا و شمال آفریقا ۲- دسترسی به دریا (از غرب به دریای مدیترانه و از جنوب به دریای سرخ) ۳- قرار گرفتن در حلقه‌ای از کشورهای مسلمان و عرب‌زبان.

وسعت خاک: وسعت سرزمینی از نظر مسائل نظامی و دفاعی بر امنیت و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار است. کشور وسیع فی‌نفسه در قدرت آن کشور تأثیر مثبتی می‌گذارد و بالقوه موجبات قدرت را فراهم می‌آورد؛ زیرا حق تملک بر زمین را ایجاد می‌نماید. علاوه بر این، فضای وسیع امکان برخورداری از منابع اقتصادی و معادن را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر کشوری وسیع اگر برای دفاع از مرزهای خود دارای جمعیت موردنیاز باشد، عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی کشور را افزایش می‌دهد. بنابراین یک موضوع بسیار مهم در وسعت سرزمین، مسئله عمق استراتژیک است. عمق استراتژیک یک عامل جغرافیایی است که در بعد نظامی به معنای فاصله نیروهای دشمن با مراکز ثقل اصلی یک کشور (مراکز نظامی، مسکونی، صنعتی) می‌باشد. داشتن عمق استراتژیک به طور طبیعی توانایی دفاعی یک کشور را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر چالش‌های بزرگی را متوجه مهاجم می‌کند. بنابراین عمق استراتژیک یک کشور به طور مستقیم با امنیت ملی آن در ارتباط است (Masood Khan, 2015). گذشته از این موارد، در عصر حاضر هنگام بروز جنگ هسته‌ای، وسعت سرزمینی اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه لازمه اعتبار یک تهدید هسته‌ای، برخورداری یک کشور از وسعت سرزمینی است تا بتواند مراکز صنعتی و جمعیتی و تأسیسات هسته‌ای‌اش را پراکنده کنند تا بتوانند در مقابل جنگ هسته‌ای تاب‌آوری داشته باشند. وسعت سرزمینی رژیم صهیونیستی طبق قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به طرح تقسیم فلسطین نیز موسوم است، ۱۴ هزار و هشت صد و پنجاه کیلومتر مربع تعیین شده بود، اما وقوع جنگ ۱۹۴۸ بین اعراب و رژیم صهیونیستی و پیروزی این رژیم در برابر اعراب، وسعت سرزمینی این موجودیت را به حدود ۲۰ هزار و هفت صد کیلومتر افزایش داد. این رژیم در ادامه، با ضمیمه

کردن بلندی‌های جولان (با وسعت ۱ هزار و ۸۶۰ کیلومتر) و بیت‌المقدس شرقی (هفتاد کیلومترمربع) در سال ۱۹۶۷ و ۱۹۸۱، مساحت خود را به ۲۲ هزار و ۷۲ کیلومتر رساند (صد و پنجاه و دومین در جهان) که از آن مقدار ۲۱ هزار و ۶۴۳ کیلومترمربع خشکی و ۴۲۹ کیلومتر پهنه‌های آبی بحر المیت و دریاچه جلیله (طبریه) را شامل می‌شود (مولایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۲). لازم به ذکر است که سازمان ملل متحد و اکثر کشورهای جهان، بلندی‌های جولان و بیت‌المقدس شرقی را جزئی از خاک رژیم صهیونیستی به رسمیت نمی‌شناسند و مرزهای پیش از جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) را مرزهای قانونی آن به حساب می‌آورند.

وضعیت توپوگرافی: شرایط توپوگرافی یک کشور بر زندگی اجتماعی و سیاسی آن و چگونگی روابط یک دولت با دولت‌های دیگر تأثیر می‌گذارد. در توپوگرافی هر واحد سیاسی، ناهمواری‌ها، مرزها و شبکه آب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ناهمواری‌ها: وضعیت ناهمواری در ارتباط با متغیرهای گوناگون، دارای فرصت و محدودیت‌های متفاوتی است؛ به گونه‌ای که ممکن است از یک دیدگاه، وجود کوه‌های مرتفع در بعد نظامی مفید واقع شود و شرایط پدافندی مطلوبی فراهم آورد؛ اما در سوی دیگر همین کوه‌های مرتفع، موانع اقتصادی و ارتباطی بسیاری ایجاد کنند و نابرابری‌های ناحیه‌ای را تشدید سازند. یا در سوی دیگر سرزمین‌های مسطح و هموار، ممکن است از حیث اقتصادی و سکونتگاهی دارای مزیت‌های فراوانی باشند؛ در حالی که همین سرزمین از لحاظ نظامی و امنیتی، مشکلات متعددی به وجود آورد. رژیم صهیونیستی با وجود وسعت کم، از تنوع جغرافیایی بسیاری برخوردار است. این رژیم دارای چهار منطقه جغرافیایی می‌باشد؛ سرزمین‌های ساحلی و جلگه‌ای در غرب و جنوب غربی این موجودیت که به دریای مدیترانه ختم می‌شود و شهرهای مهم تجاری و بازرگانی و صنعتی همچون تل‌آویو، حیفا و یافا در این منطقه قرار گرفته‌اند. شمال این رژیم دارای زمین‌های کوهستانی با آب فراوان می‌باشد و تقریباً منبع اصلی آب شیرین و همچنین کشاورزی و گردشگری آن می‌باشد. در جنوب فلسطین اشغالی، صحرای نِگب ۱ قرار گرفته که بیش از نیمی از کل وسعت این رژیم را تشکیل می‌دهد و از تراکم جمعیتی بسیار پایینی برخوردار است. در شرق رژیم صهیونیستی نیز رود اردن قرار دارد که از نظر حاصلخیزی زمین‌ها، به شدت مورد اقبال

ساکنین است و باوجود قرار گرفتن در سرزمین‌های قانونی فلسطین، رژیم صهیونیستی بر این قسمت اعمال حاکمیت می‌کند.

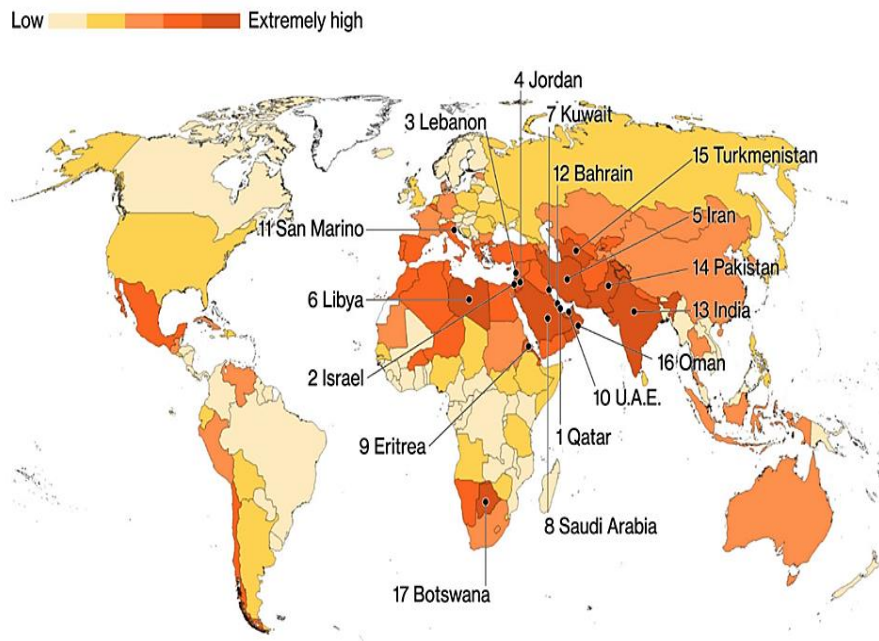
ب) مرز: علاوه بر وضعیت ناهمواری، مرزها نیز در ژئوپلیتیک کشورها مورد توجه است؛ چراکه شکل و نوع مرزها از مواردی است که در امنیت ملی و نیز موضع‌گیری آفندی یا پدافندی کشورها اهمیت زیادی دارد. نکته بسیار مهم دیگر در خصوص مرزها این است که ارتباط بین مرز و امنیت، بسیار پیچیده‌تر از توانایی برای جلوگیری از تهاجم یا نفوذ است؛ چرا که مرزها علاوه بر ابزار سیاست کشور و تجلی قدرت دولت، تعیین‌کننده هویت ملی هستند و از این رو تعیین حد و حدود مرزها اهمیت بسیاری از لحاظ امنیتی دارد (Flint, 2006: 134). هارتشورن در یک تقسیم‌بندی، مرزها را بر اساس رابطه بین مرز و چشم‌انداز فرهنگی به پنج دسته تقسیم می‌کند؛ ۱- مرزهای پیشتاز یا پیش از سکونت که در آن خطوط مرزی در نواحی خالی از سکنه ترسیم می‌شوند ۲- مرزهای قبل از اسکان که قبل از مستقر شدن بیشتر انسان‌ها و قبل از شکل‌گیری بخش اعظم چشم‌انداز فرهنگی، ترسیم می‌شوند ۳- مرزهای تطبیقی که هماهنگ و مطابق با الگوهای فرهنگی- قومی سرزمین تعیین می‌شوند ۴- مرزهای تحمیلی که بدون توجه به سیمای فرهنگی ناحیه و تنها بر اثر سیاست‌های بین‌المللی به وجود می‌آیند ۵- مرزهای متروکه که به دلیل بی‌اعتبار بودنشان اهمیت کمتری دارند اما آثارشان هنوز نمایان است (میرحیدر، راستی، میر احمدی، ۱۳۹۸: ۲۱۸-۲۲۱). در تقسیم‌بندی فوق، مرزهایی که به صورت تطبیقی ترسیم شده‌اند بیشتر ثبات را دارند و عمده‌تاً امنیت نسبی در سوی مرزها حاکم است؛ اما در دیگر مرزها بخصوص مرزهای تحمیلی، امکان بی‌ثباتی و تغییر دائم مرزها وجود دارد که این موضوع بر امنیت ملی کشورها تأثیر سوء دارد.

افزون بر این باگزر ۴ نوع مرز را از هم تفکیک می‌کند: فیزیوگرافیک، انسانی-جغرافیایی، هندسی و ترکیبی. در بررسی عامل توپوگرافی، عمده توجه مربوط به مرزهای فیزیوگرافیک است. مرز فیزیوگرافیک مرزی است که در امتداد عوارض طبیعی زمین مثل رودخانه، رشته‌کوه، دریاچه و یا باتلاق تحدید شده باشد. (پیشگامی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۷۰) چون عوارض طبیعی کاملاً بارز هستند و در جنگ‌های عادی می‌توانند سدی در مقابل قوای مهاجم باشند، اغلب به عنوان مرزهای خوب متصور می‌شوند. از این رو مرزهای طبیعی که کارکرد دفاعی-امنیتی دارند

به دلیل عامل بازدارندگی اش مرزهای مناسبی در نظر گرفته می‌شوند. بررسی مسائل مرزی رژیم صهیونیستی از آنجایی که این رژیم مرزهای مشخصی ندارد، کاری بسیار دشوار و بحث‌برانگیز است. مرزهای این رژیم را بسته به اینکه مرزهای پیش از ۱۹۶۷ را در نظر بگیریم یا اینکه مرزهای پس از ۱۹۶۷ را بررسی کنیم، متفاوت است. بر اساس طبقه‌بندی پنج‌گانه مرزی هارتشون، تمام مرزهای رژیم صهیونیستی با همسایگانش، به صورت احتمالی بوده است و در زمان جنگ شکل گرفته است. از سوی دیگر بر اساس تقسیم‌بندی باگز مرزهای رژیم صهیونیستی بر اساس مرزهای ۱۹۴۸، فاقد مرزهای طبیعی با همسایگان می‌باشد.

ج) شبکه آب: داشتن منابع آبی و به‌ویژه حضور شبکه‌های آبی همچون رودخانه در داخل کشور، منبع قدرت در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین دسترسی به رودخانه و منابع آبی دارایی استراتژیکی هر کشوری به حساب می‌آید و عدم وجود این دارایی برای هر دولت - ملتی محدودیت‌های ژئوپلیتیکی بسیاری ایجاد می‌کند. از سوی دیگر میزان در اختیار داشتن منابع آب و نحوه دسترسی به آن، در افزایش یا کاهش امنیت ملی هر واحد سیاسی بسیار تأثیرگذار است؛ چراکه بی‌شک دولت بالادست یک رود، بر همسایه پایین دستی خود برتری آشکاری دارد که از این برتری می‌تواند در افزایش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی خود حداکثر بهره را ببرد (اکالاهان، ۱۳۹۴: ۵۷۶) و در مقابل کشوری که در پایین دست رود قرار دارد و دسترسی به سرچشمه رود ندارد، باید برای بهره‌مندی از این طلای سفید، امتیازات زیادی به کشورهای بالادست اعطا کند. در خصوص شبکه‌های آب در رژیم صهیونیستی باید گفت که از ۱۹۴۸ تا به امروز، دولت یهود چالش‌های فراوانی در خصوص تأمین آب مورد نیاز خود داشته است، به گونه‌ای که آمارهای موجود حکایت از کمبود شدید آب طبیعی (غیر از منابع آبی حاصل از تأسیسات آب‌شیرین‌کن‌ها) در این رژیم دارد. به طوری که از بین ۱۷ کشور بحرانی در زمینه مسئله آب، رژیم صهیونیستی پس از قطر، در رتبه دوم قرار دارد (Dormido, 2019). موقعیت جغرافیایی این رژیم به گونه‌ای است که نصف آن در مناطق خشک و صحرایی قرار گرفته و میزان بارندگی در کمترین حد است و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی فاقد کوه‌های مرتفع است که بتواند برف را در فصول سرد ذخیره نماید و به تبع آن فاقد رودخانه‌های دائمی در داخل مرزهای

بین‌المللی است. در حال حاضر، نزدیک به دوسوم آب رژیم صهیونیستی از آب‌های زیرزمینی فراهم می‌شود؛ با این حال روند مصرف آبی در کنار افزایش جمعیت و همچنین کمبود منابع آبی، منجر به این شده است که منابع یاد شده ناتوان از فراهم‌سازی نیازهای آبی این رژیم باشند (مولایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۳).



شکل ۱. بحران آبی کره زمین (Dormido, 2019)

شکل سرزمین: مقصود از شکل سرزمین، فاصله قُطرهای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهم‌ترین تأثیر این مسئله به در نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است. شکل کشور از نظر بسیاری از اندیشمندان همچون ریچارد مویر، مارتین گلاسنر و جان ویک در قدرت ملی یک کشور و متعاقب آن در حفظ امنیت ملی آن مؤثر است. رژیم صهیونیستی با طول چهارصد و بیست و چهار کیلومتر و عرض متوسط شصت و پنج کیلومتر (در عریض‌ترین حالت ۱۱۴ کیلومتر و در باریک‌ترین حالت ۱۰ کیلومتر) یک موجودیت طویل و باریک به حساب می‌آید.



شکل ۲. طول و عرض مرزهای رژیم صهیونیستی (MFA, 2023)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بررسی تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی این رژیم

بدون شک همان‌گونه که گفته شد، یکی از عوامل بسیار مهم بر امنیت ملی هر کشور یا دولتی، مسئله ژئوپلیتیک است. در قسمت قبل، با بررسی توصیفی عوامل ثابت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی، سعی شد به شناختی از وضعیت جغرافیایی و سیاسی این رژیم برسیم تا از این طریق تأثیر عوامل ثابت را بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار دهیم.

تأثیر موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی این رژیم: قرار گرفتن

رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا در کنار مزیتی که داشته، خالی از عیب نبوده است. این رژیم بنا به دلیل استراتژیک بودن غرب آسیا، توانسته نظر بسیاری از قدرت‌های بین‌المللی را به خود جلب نماید و از این طریق وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی با قرار گرفتن در سواحل مدیترانه شرقی و دریای سرخ، توانسته از تنگنای ژئوپلیتیکی

نجات یابد و بسیاری از منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را از این طریق به دست آورد؛ اما علی‌رغم این فرصت‌ها، رژیم صهیونیستی در بعد موقعیت جغرافیایی با چالش‌های عدیده‌ای مواجهه است. این چالش‌ها از سه جهت می‌تواند در امنیت ملی رژیم صهیونیستی تأثیر منفی داشته باشد؛ ۱- بحرانی و آنارشیک بودن منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا ۲- قرار گرفتن در مرکز جهان اسلام و همسایگان متخاصم و همچنین مواجهه با نیروهای اسلام‌گرا ۳- اهمیت بین‌المللی این منطقه و حساسیت افکار عمومی جهان نسبت به تحولات خاورمیانه.

الف) قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک خاورمیانه ویژگی کانونی موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید. این ویژگی به طرق گوناگونی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی تأثیر می‌گذارد. منطقه خاورمیانه همواره دارای موقعیت استراتژیک در نظام بین‌الملل بوده و همین جایگاه نیز فرصت‌ها و تهدیدات بی‌شماری برای این منطقه و دولت‌های مستقر در آن به وجود آورده است. اهمیت موضوع از آنجاست که همواره نقاط بحرانی جهان با نقاط استراتژیک دنیا، منطبق است (عزتی، ۱۳۹۷: ۸۵) و تاریخ خاورمیانه نیز، صحت این ادعا را ثابت می‌کند. منطقه خاورمیانه را می‌توان به دلیل عقب‌ماندگی اقتصادی و دموکراتیک و گسست‌های پایدار سیاسی، فرهنگی و هویتی، به‌عنوان بحرانی‌ترین منطقه جهان به شمار آورد. نگاهی به تحولات خاورمیانه در ربع قرن اخیر نشان می‌دهد که این منطقه کانون جنگ، کودتا، شورش، درگیری‌های قومی- مذهبی و تجزیه‌طلبی بوده و همواره به دلیل موقعیت استراتژیک‌اش، در کمند خطر آسیب‌پذیری داخلی و تهدیدهای خارجی قرار گرفته است (نصری، ۱۳۹۳: ۱۳).

چنین وضعیت آنارشیک که احتمال ناآرامی در کشورهای منطقه را محتمل می‌سازد، شاید در مواقعی، همانند تضعیف دشمنان منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و کسب حمایت‌های خارجی، به نفع دولت یهود تمام شود؛ اما وقوع این ناآرامی‌ها در عصر حاضر که دولت‌های منطقه (نه ملت‌ها)، به سمت پذیرش رژیم صهیونیستی حرکت کرده‌اند، می‌تواند هزینه‌های امنیتی بسیاری بر این موجودیت تحمیل نماید؛ به سخن دیگر، در عصر حاضر ناآرامی سیاسی در کشورهای عربی منطقه، نه تنها برای رژیم صهیونیستی مطلوب نبوده، بلکه تبعات امنیتی نیز داشته است (پرتو و کریمی، ۱۳۹۲: ۳۶۸). فریلیچ در این خصوص می‌گوید: «این منطقه برای سال‌های آینده بسیار تحریک‌پذیر خواهد ماند... پیامدهای امنیتی آن برای امنیت رژیم صهیونیستی شدید و به‌طور بالقوه

سخت خواهد بود. در این شرایط یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای فراوی رژیم صهیونیستی در حال حاضر، دیگر قدرت همسایگان عرب آن نیست، بلکه ضعف آن‌ها است و خطر بی‌ثباتی داخلی آن‌ها که در ترکیب با دولت‌های ضعیف و در حال فروپاشی است منجر به احیای خصومت‌ها خواهد شد» (فریلیچ، ۱۳۹۸: ۱۵۲). با توجه به وضعیت بحرانی منطقه، امکان به وجود آمدن وضعیت دولت گسسته و گونه‌ای هرج‌ومرج سومالی‌وار در پیرامون محیط رژیم صهیونیستی افزایش می‌یابد و همین امر خطر جنگی مداوم و نامتقارن را برای رژیم صهیونیستی بالا می‌برد. بر این اساس همان‌گونه که افرایم اینبار در تحلیلش از بیداری اسلامی می‌گوید: «با گذر زمان هرچه دولت‌های ضعیف کنترل خود را بر تأسیسات امنیتی از دست می‌دهند، زیرساخت‌هایشان بیشتر قابل نفوذ می‌شود که نتیجه آن، ظهور گروه‌های مسلح ناراضی است که تعهد ضربه زدن به اسرائیل را دارند» (اینبار، ۱۳۹۳: ۶۲). برای نمونه، در جریان تحولات سال ۲۰۱۱ جهان عرب، در پی سقوط حسنی مبارک و خلأ قدرت در قاهره، خط لوله انتقال گاز طبیعی بین رژیم صهیونیستی و مصر، ۶ بار مورد حمله قرار گرفت و همچنین با حملاتی که در همین سال به بندر ایلات شد، امنیت مرزهای جنوبی این رژیم تهدید گردید (Inbar, 2012: 44). افزون بر این در جریان بحران لیبی و سقوط معمر قذافی، موشک‌های ضد هوایی و ضدتانک و نارنجک‌انداز لیبی‌یایی به دست گروه‌های مقاومت ضد صهیونیست از جمله حماس رسید (اینبار، ۱۳۹۳: ۶۲) که چنین مسائلی می‌تواند در جنگ‌های آتی رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت، برای دولت یهود وحشت‌آفرین باشد و زیرساخت‌های حیاتی رژیم صهیونیستی مورد هدف قرار گیرد.

به همین سبب می‌توان نتیجه گرفت که هر تحولی که در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا رخ می‌دهد، حتی اگر به‌طور مستقیم مربوط به رژیم صهیونیستی نباشد و یا مسئله‌ای مربوط به محیط داخلی این رژیم باشد، مرزهای دولت یهود را از بیرون با تهدید روبه‌رو می‌سازد و ناآرامی‌های منطقه به‌طور مستقیم بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی تأثیر می‌گذارد. بنابراین موقعیتی که رژیم صهیونیستی در آن قرار گرفته است، متفاوت با دیگر مناطق جهان می‌باشد و امکان تغییر هر لحظه‌ای صف‌بندی‌های منطقه‌ای و وقوع ناآرامی‌های داخلی و در نتیجه روی کار آمدن نخبگان ضد صهیونیست وجود دارد؛ چراکه ساختار هیچ‌کدام از رژیم‌ها و دولت‌های فعلی منطقه به‌طور عام و همسایگان رژیم صهیونیستی به‌طور خاص، دائمی و با دوام نیست (Sachs & Huggard, 2020: 42). از این رو به دلیل ماهیت

مصنوعی و تحمیلی این رژیم و عدم مشروعیت ذاتی دولت یهود در میان افکار عمومی منطقه، هر آن امکان تبدیل کشورهای دوست به کشورهای دشمن وجود دارد. در نتیجه، یکی از عوامل ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی که بر امنیت ملی این رژیم تأثیر منفی می‌گذارد، قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در منطقه بحرانی و آنارشیک غرب آسیا و شمال آفریقا است که در آن جنگ داخلی و خارجی، درگیری‌های قومی و مذهبی یک قاعده - نه یک استثنا - محسوب می‌شود. به ویژه به دلیل یکپارچگی قومی، مذهبی و زبانی که در اکثر کشورهای منطقه وجود دارد و به سبب عدم تطابق رژیم صهیونیستی با فرهنگ منطقه و همچنین ضعف جمعیتی از نظر شکاف‌های قومی و حضور اقلیت عرب در این رژیم، امکان سرایت سریع ناآرامی‌ها به محیط امنیتی رژیم صهیونیستی، وجود دارد.

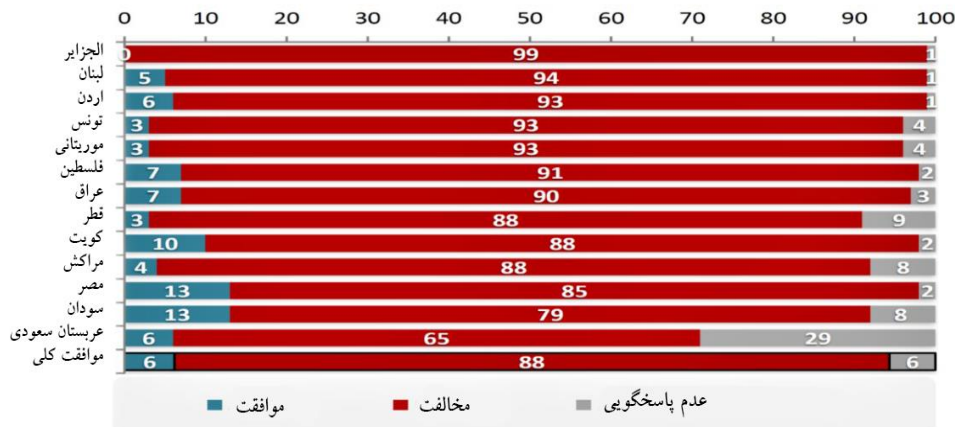
ب) رژیم صهیونیستی فارغ از قرار گرفتن در محیط آنارشیک منطقه خاورمیانه، در حصار از همسایگان مسلمان و عرب زبان متخاصم جای گرفته است که جنگ همیشگی، تحریم و انزوا از ویژگی‌های آن به شمار می‌آید (Schueftan, 2015: 8). رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ تا به حال به طور مداوم در حال کشمکش با همسایگانش بوده است و از زمان تأسیسش، سالی بدون درگیری با همسایگان نگذرانده است؛ به طوری که آتش گشودن از سوی گروه‌های ضد صهیونیست در کشورهای همسایه و همچنین از درون سرزمین‌های اشغالی، امری عادی و همیشگی است و رژیم صهیونیستی نتوانسته است این موضوع را پس از هفت دهه، حل و فصل نماید. رژیم صهیونیستی با تمامی کشورهای پیرامونی خود دارای اختلاف ارضی، مرزی، سیاسی و امنیتی است و با کشورهای لبنان و سوریه نیز در حالت قطع رابطه سیاسی است و با دیگر همسایگان خود، یعنی مصر و اردن نیز صلحی سرد را تجربه می‌کند (sallam & winter, 2017:21; Köprülü, 2021: 456). تمامی این موارد و احاطه شدن رژیم صهیونیستی در دایره‌ای از همسایگان متخاصم و نه‌چندان دوست، امنیت این رژیم را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مانع از بهره‌مندی این رژیم از فرصت‌های ژئوپلیتیکی خود می‌شود.

فارغ از مشکلات سیاسی و سرزمینی رژیم صهیونیستی با کشورهای همسایه، این رژیم در ابعاد ایدئولوژیکی و هویتی نیز با کشورهای منطقه در تضاد آشکار قرار دارد. آیزنکوت و سیونی در این خصوص می‌گویند: «با توجه به عرصه منطقه‌ای، اسرائیل یک ناهنجاری در منطقه عمدتاً خصمانه به شمار می‌آید» (Eisenkot & Siboni, 2019: Iv)؛ چراکه خاورمیانه نقطه کانونی

جهان اسلام و جنبش‌های اسلام‌گراست و می‌توان اسلام‌گرایان را قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین نیروی مخالف در اکثر کشورهای عربی به شمار آورد و از این رو ترسناک‌ترین نتیجه برای رژیم صهیونیستی قدرت‌یابی اسلام‌گرایان خواهد بود. روی کار آمدن دولت‌هایی با ایدئولوژی اسلامی، بی‌شک منجر به کنار رفتن دولت‌های محافظه‌کار و سکولار خواهد شد و چالش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی را افزایش خواهد داد. این مسئله زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که به ایدئولوژی گروه‌های اسلام‌گرا در عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی توجه کنیم. بنابراین صعود اسلام‌گرایان در معادلات منطقه، در بلندمدت می‌تواند یک تهدید وجودی برای رژیم صهیونیستی به شمار آید، همان‌گونه که طی دهه‌های اخیر شاهد هستیم که قدرتمند شدن گروه‌های اسلامی همچون حزب‌الله لبنان، انصار الله یمن و همچنین حماس و جهاد اسلامی، تبدیل به تهدیدی جدی علیه رژیم صهیونیستی شده است.

بنابراین از یک سو قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در منطقه‌ای با اکثریت مسلمان و تفوق عقاید و گروه‌های اسلامی بر این منطقه و از سوی دیگر وجود ناآرامی‌های دائمی در خاورمیانه، موجب می‌شود که در صورت وقوع تحولی در خاورمیانه که دور از انتظار هم نیست، اسلام‌گرایان به قدرت برسند و محیط امنیتی رژیم صهیونیستی با چالش‌هایی عدیده‌ای مواجهه شود. فارغ از دولت‌های متخاصم و حضور جنبش‌های اسلامی در نزدیک محیط امنیتی رژیم صهیونیستی، افکار عمومی مردم خاورمیانه و بخصوص جهان عرب نیز علیه این رژیم است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که شکل‌گیری حکومت‌های عربی بر پایه‌ی خواست مردم، می‌تواند یکی از مهم‌ترین تهدیدهای رژیم صهیونیستی به شمار آید. سعید الشهابی، نویسنده مشهور بحرینی، در این خصوص می‌گوید: «اگر فرصت آزادی عمومی برای ملت‌های عرب فراهم آید در این صورت یک توافق نظر جمعی مبنی بر مخالفت با اشغالگری اسرائیل و حمایت از ملت فلسطین شکل می‌گیرد... فراهم کردن فضای آزاد برای ملت‌ها به فضای سیاسی کاملاً متفاوتی می‌انجامد. به این ترتیب که حاکمیت را به مردم باز می‌گرداند و قضیه فلسطین را در وجدان مردمی احیا می‌کند... اگر آزادی‌های عمومی در امارات و بحرین وجود داشت حاکمان این کشورها نمی‌توانستند با اسرائیل روابط خود را عادی کنند» (الشهابی، ۱۴۰۰). بر این اساس همان‌گونه که استراتژیست‌های صهیونیستی معتقدند، حتی اگر کشورهای همسایه رژیم صهیونیستی با آن، صلح کنند و موجودیت آن را به رسمیت بشناسند، باز هم تعادل ژئوپلیتیکی میان دولت یهود و کشورهای پیرامونی آن

برقرار نخواهد شد. افرایم سنیه در همین خصوص در کتاب خود تحت عنوان «اسرائیل پس از ۲۰۰۰» ابراز می‌کند: «همسایگان دور و نزدیک ما مسلمان هستند و خواهند بود و تاریخ خاورمیانه به ما نشان می‌دهد که در این منطقه مسامحه با اقلیت‌ها و تعهد به موجودیت آن‌ها بی‌معنی است. از این رو حتی در صورت دستیابی به صلح واقعی و برقراری مناسبات صمیمانه فی‌مابین و اجرای طرح‌های مشترک اقتصادی، اختلاف نژادی میان اسرائیل و دیگر کشورها کماکان باقی خواهد ماند و هیچ‌گاه نباید از یاد ببریم که در محیط عربی اسلامی، هرچند که ممکن است طی سال‌های طولانی اعتراض علیه وجود دولت اسرائیل فروکش کند، اما بازهم امکان دارد که روزی از سر گفته شود» (سنیه، ۱۳۸۱: ۱۹). در همین باره، مرکز «المركز العربی للأبحاث ودراسة السياسات» در جدیدترین گزارش افکار سنجی خود از کشورهای عربی در سال ۲۰۲۰، نشان می‌دهد که باگذشت بیش از هفتادسال از تأسیس رژیم صهیونیستی، در موضوع به رسمیت شناختن این رژیم، ۸۸ درصد مردم کشورهای عربی موضع منفی داشته و تنها ۶ درصد پذیرفته‌اند که حکومتشان آن را به رسمیت بشناسند؛ اما از همین ۶ درصد نیز نیمی موافقتشان را به این مشروط کرده‌اند که دولت فلسطینی مستقلی نیز تشکیل شود. همچنین مطابق با آخرین نظرسنجی موسسه واشنگتن در امور خاورمیانه نیز بسیاری از مردم منطقه نسبت به توافق ابراهیم و ثمرات آن بدبین هستند (Kassin & Pollock, 2022)

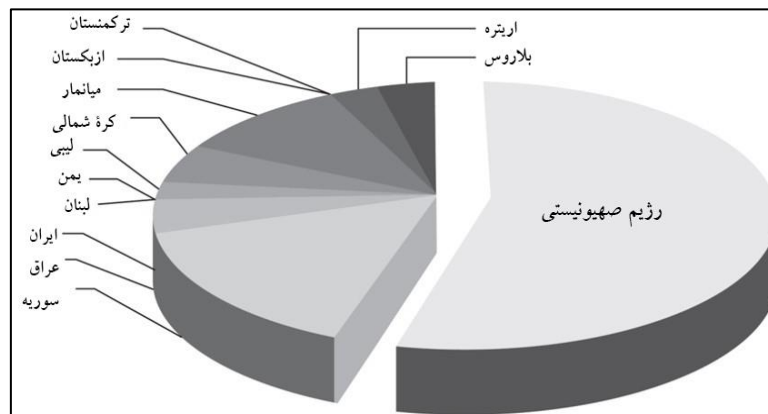


نمودار ۲- حمایت یا مخالفت افکار عمومی کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی

(Arab Center For Research & Policy Studies, 2020: 55)

پ) سومین مسئله‌ای که در بعد موقعیت جغرافیایی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی تأثیر می‌گذارد، اهمیت جهانی منطقه خاورمیانه و حساسیت افکار عمومی جهان نسبت به این منطقه است. اهمیت منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در نظام بین‌الملل و بازتاب رخداد تحولات این منطقه در رسانه‌ها و افکار عمومی جهان، چالش‌های فراوانی برای مشروعیت و قدرت نرم رژیم صهیونیستی در جوامع بین‌المللی به وجود آورده است؛ به طوری که ممکن است جنگی در آفریقا یا دیگر مناطق جهان رخ دهد و تلفات و خرابی‌های بسیاری نیز داشته باشد، اما رسانه‌ها و افکار عمومی دنیا، حساسیتی نسبت به آن نداشته باشند؛ اما در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا این موضوع کاملاً متفاوت است و هرگونه تنش جزئی بازتاب جهانی به خود می‌گیرد که چنین امری ناشی از اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه و کشورهای حاضر در آن است. به گونه‌ای که هر رخداد کوچکی در این منطقه، پتانسیل آن را دارد که در اسرع وقت به تیر یک رسانه‌های بین‌المللی تبدیل گردد و افکار عمومی جهان نیز نسبت به آن حساس شوند. این موضوع درباره رژیم صهیونیستی نیز صادق است. این رژیم با اقدامات توسعه‌طلبانه خود و زیر پا گذاشتن حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های شورای امنیت، مورد مذمت جهانیان قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که شروع انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی و واکنش شدید رژیم صهیونیستی نسبت به آن، بازتاب‌های شدیدی در رسانه‌های بین‌المللی پدید آورد و برای رژیم صهیونیستی به چالش دیپلماتیک جدی تبدیل شد. علاوه بر این پس از جنگ‌های سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ رژیم صهیونیستی با غزه، اقصی نقاط جهان، شاهد تظاهرات مردمی علیه اقدامات رژیم صهیونیستی بود. در جنگ سال ۲۰۲۱ میان رژیم صهیونیستی و نوار غزه نیز افکار عمومی جهان و به‌طور ویژه مردم اروپا و ایالات متحده، علیه رژیم صهیونیستی شروع به اعتراض کردند (Sultan, 2021). گذشته از این، روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متأثر از مسئله فلسطین است و حتی روابط این رژیم با اتحادیه اروپا که در تمامی ابعاد (به‌ویژه از نظر اقتصادی) حائز اهمیت است نیز همواره تحت تأثیر مسئله فلسطین - رژیم صهیونیستی قرار دارد و این موضوع مانع از رشد روابط این دو می‌شود (Goren, Ronen & Bayburt, 2019: 184). این مسائل بی‌شک در بلندمدت تأثیر سوء بر جایگاه رژیم صهیونیستی در نظام بین‌الملل می‌گذارد و ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی را کاهش می‌دهد و مشکلات عدیده‌ای برای دولت یهود به وجود می‌آورد. در همین راستا، از زمان استقلال رژیم صهیونیستی، اقدامات ظالمانه این رژیم در معرض دید رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته که همین امر قدرت و وجهه رژیم صهیونیستی را در کشورها و

محافل بین‌المللی تضعیف نموده است. به طوری که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴، قطعنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل در پرداختن به موضوع رژیم صهیونیستی یا محکومیت آن در مجموع به ۴۶ قطعنامه می‌رسد؛ در حالی که این رقم برای کشورهای دیگر همچون سوریه، ایران، لیبی و کره شمالی به ترتیب ۱۴، ۴، ۲ و ۶ قطعنامه می‌باشد.



نمودار ۳. قطعنامه‌های شورای حقوق بشر در مورد کشورهای مختلف ۲۰۰۶-۲۰۱۴ (فریلیچ، ۱۳۹۸: ۱۷۵).

افزون بر این، اهمیت رخدادهای منطقه راهبردی غرب آسیا و شمال آفریقا و در ذیل آن مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین، موجب پررنگ شدن مسئله فلسطین و در نتیجه شکل‌گیری جنبش‌های ضد صهیونیستی شده است. یکی از این جنبش‌ها که بی.دی.اس (انزوا، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم) نام دارد، الهام گرفته از جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی است. اهمیت این جنبش به حدی است که گورن و همکارانش، از آن به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی ژئوپلیتیکی برای رژیم صهیونیستی یاد می‌کند (Goren, Ronen & Bayburt, 2019: 177) و آیزنکوت و سیبونی نیز معتقدند که جنبش‌های تحریم علیه رژیم صهیونیستی در بلندمدت به قابلیت‌های سیاسی و آزادی عملی دولت یهود آسیب می‌رساند و توانایی رژیم صهیونیستی را در دستیابی به مشروعیت اقدامات خود کاهش می‌دهد و از توانایی این رژیم برای مقابله با اقدامات دشمنان می‌کاهد (Eisenkot & Siboni, 2019: 41).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی از ابعاد گوناگونی می‌تواند برای دولت یهود مشکلات امنیتی عدیده‌ای به وجود آورد؛ آشوبناک بودن خاورمیانه و

نقش آفرینی اسلام‌گرایان و وجود همسایگان در دسرساز و حساس بودن افکار عمومی منطقه و فرا منطقه در خصوص مسائل غرب آسیا، ظرفیت آن را دارد که امنیت ملی رژیم صهیونیستی را تهدید کند. علاوه بر این موارد، چالش‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی، حتی نکات مثبت ژئوپلیتیکی این رژیم را نیز خنثی می‌کند و مانع از بهره‌مندی این رژیم از فرصت‌های ژئوپلیتیکی‌اش می‌شود. رژیم صهیونیستی با دسترسی به دو دریای راهبردی (مدیترانه و سرخ)، می‌تواند جایگزین کانال سوئز شود (Waheed & Moazzam, 2022) و حتی به هاب انرژی منطقه تبدیل شود، اما ناامنی و عدم استقبال ملت‌های منطقه از رژیم صهیونیستی، می‌تواند در نهایت موجب فرصت‌سوزی چنین فرصتی گردد. بنابراین این چالش‌ها بدون شک بر تمامی ابعاد امنیت ملی رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته و خواهد گذاشت، اما نقطه تمرکز این چالش‌ها بر امنیت نظامی و سیاسی این رژیم خواهد بود.

تأثیر وسعت و شکل سرزمینی رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی این رژیم:

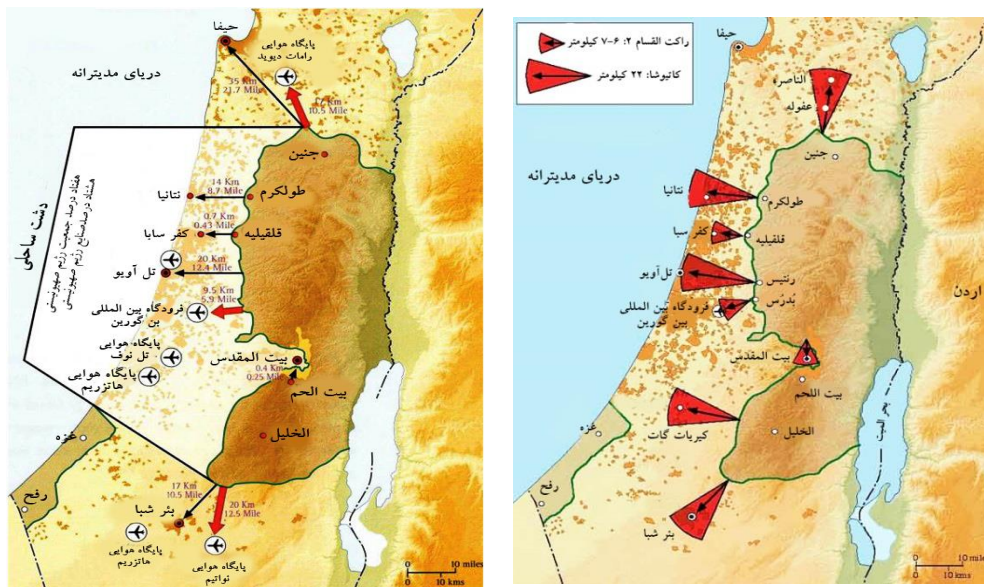
همان‌گونه که گفته شد در تعیین وسعت سرزمینی رژیم صهیونیستی اختلافاتی وجود دارد. با این حال با در نظر گرفتن وسعت حداکثری رژیم صهیونیستی (۲۲ هزار کیلومتر)، این رژیم طبق تقسیم‌بندی پاندز، که کشورها را از نظر وسعت به هشت دسته تقسیم می‌کند، موجودیتی ذره‌ای به شمار می‌آید (Dikshit, 1982: 39). اهمیت وسعت رژیم صهیونیستی زمانی درک می‌شود که نگاهی به وسعت سرزمینی همسایه‌های این رژیم داشته باشیم. وسعت کشور مصر، سوریه و اردن نسبت به این رژیم به ترتیب، ۴۵ برابر، ۹ برابر و ۴ برابر می‌باشد و در بعد منطقه‌ای نیز نسبت وسعت رژیم صهیونیستی به کشورهای همجوار عربستان، ایران و عراق، به ترتیب ۹۸ برابر، ۸۰ برابر و ۲۰ برابر است. از این رو رژیم صهیونیستی علاوه بر قرار گرفتن در بین همسایه‌های متخاصم، نسبت به آن‌ها با چالش وسعت اندک مواجهه است که این عامل در ابعاد وسیعی، امنیت ملی این رژیم را تهدید می‌کند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی موجودیتی طویل و باریک به حساب می‌آید. بر اساس مرزهای به رسمیت شمرده شده بین‌المللی، عرض این موجودیت در بیشترین حالت ۱۴۰ کیلومتر و در کمترین حالت ۱۴ کیلومتر است. حتی اگر کرانه باختری را نیز جز سرزمین‌های رژیم صهیونیستی به حساب آوریم، فاصله بین رود اردن تا دریای مدیترانه ۴۰ مایل دریایی (تقریباً ۷۰ کیلومتر) است (Dekel, 2014: 85)؛ به طوری که یک هواپیمای جنگنده می‌تواند در ظرف ۴

دقیقه با سرعت زیر صوت بر فراز پهنای رژیم صهیونیستی پرواز کند. این در حالی است که اگر دولت مستقل فلسطین بر اساس قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل تشکیل شود، وضعیت سرزمینی رژیم صهیونیستی و حفظ امنیت آن برای صهیونیست‌ها بغرنج‌تر خواهد شد؛ چراکه در آن صورت نه تنها عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی کاهش می‌یابد، بلکه فاصله کشور فلسطینی با شهرهای مهم رژیم صهیونیستی که به نوعی هارتلند این رژیم نیز به شمار می‌آید بسیار کم‌تر می‌شود؛ به گونه‌ای که مسافت غرب کرانه باختری تا شهر تل‌آویو به بیست کیلومتر و مسافت شهر تولکران در کرانه باختری تا شهر نتانیا در رژیم صهیونیستی به ۱۴ کیلومتر می‌رسد (Dayan, 2014: 36). وسعت کم و شکل سرزمینی نامناسب رژیم صهیونیستی، این رژیم را فاقد عمق استراتژیک کرده است. چنین شرایطی دو معضل امنیتی عمده برای این رژیم خلق نموده است: ۱- عرض کم موجب می‌شود که در صورت حمله نظامی، در مدت بسیار کم، رژیم صهیونیستی به دو قسمت تقسیم گردد و ارتباط شمال با جنوب قطع شود ۲- طول زیاد به دلیل افزایش دادن مسافت و زمان دو نقطه جغرافیایی، می‌تواند بخصوص در هنگام جنگ و تنش دردسرها آفرین باشد. از این رو رژیم صهیونیستی نه تنها فاقد عمق استراتژیک است بلکه از عمق تاکتیکی نیز بی‌بهره است؛ به طوری که با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی و سرزمینی رژیم صهیونیستی و همچنین ترس از اشغال توسط اعراب و تلفات بسیار، حتی امکان عقب‌نشینی تاکتیکی برای ارتش رژیم صهیونیستی وجود ندارد. این مسئله، نگرانی و ترس دائمی نسبت به قدرت گرفتن اعراب را در میان رهبران رژیم صهیونیستی تشدید کرده است. بنابراین بی‌دلیل نیست که رهبران رژیم صهیونیستی از خطوط مرزی ۱۹۶۷، به مرزهای آشویتس^۱ نام می‌برند (Faghihzadeh Gorji & Eslami & Jamshidi, 2019: 138).

بر این اساس وسعت کم و شکل طویل سرزمین رژیم صهیونیستی در کنار وجود همسایگان متخاصم، رژیم صهیونیستی را در مقابل حملات غافلگیرکننده و سریع کشورهای منطقه، آسیب‌پذیر می‌سازد. این مشکل از آنجایی ناشی می‌شود که فاصله مرزی بین اعراب و رژیم صهیونیستی بسیار کم است و تمامی مراکز اصلی رژیم صهیونیستی در تیررس قرار دارد. افزون بر این موارد، کل جغرافیای رژیم صهیونیستی به دلیل عدم وسعت کافی و فاصله اندک با همسایگان،

1 Auschwitz border

در تیررس کشورهای عربی (گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب الله لبنان) قرار دارد. به گونه‌ای که این گروه‌ها به راحتی می‌توانند عمق خاک رژیم صهیونیستی و مراکز نظامی، صنعتی و تجاری آن را با ساده‌ترین راکت‌ها و موشک‌ها مورد هدف قرار دهند. در تیررس بودن تمام خاک رژیم صهیونیستی، چالش امنیتی بزرگی برای این رژیم به وجود می‌آورد. به گونه‌ای که حتی از کرانه باختری و با ابتدایی‌ترین ابزارهای جنگی نیز می‌شود، مراکز استراتژیک و پرجمعیت رژیم صهیونیستی را در تیررس قرارداد (EMET, 2020). فریلیچ در این خصوص ابراز می‌کند: «حجم و دامنه توانمندی‌های در اختیار دشمنان رژیم صهیونیستی، آن‌ها را قادر به حمله به تمام نقاط سرزمین‌های اشغالی کرده است... در گذشته، بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی دارای توانایی حمله به خاک اصلی فلسطین اشغالی بودند و گاهی این اتفاق می‌افتاد؛ اما این تهدید محدود به مناطق خاص، معمولاً در طول مرز بود و هیچ بازیگر منفردی نمی‌توانست واقعاً کل کشور را تهدید کند. اما امروزه در واقع کل فلسطین اشغالی تبدیل به جبهه جنگ شده است» (فریلیچ، ۱۳۹۸: ۸۷).



شکل ۳. نزدیکی شهرهای کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی و آسیب‌پذیری امنیتی رژیم صهیونیستی (Dayan, 2014: 36)

تأثیر توپوگرافی رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی این رژیم:

چگونگی تأثیر عوامل توپوگرافی رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی این رژیم، بسته به پذیرش مرزهای فعلی یا مرزهای موردقبول جامعه جهانی متفاوت می‌باشد. عمده عوامل توپوگرافی رژیم صهیونیستی، تأثیر مثبت محسوسی برای امنیت ملی رژیم صهیونیستی ایجاد نمی‌کنند بلکه نتایج منفی عدیده‌ای بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی به وجود می‌آورند. این شرایط را در صورتی که مرزهای رژیم صهیونیستی را بر اساس مرزهای موردقبول بین‌المللی، یعنی مرزهای پیش از ۱۹۶۷ در نظر بگیریم، وخیم‌تر هم می‌شود؛ چراکه در صورت احتساب مرزهای رژیم صهیونیستی بر اساس مرزهای پیش از ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی با همسایگانش فاقد موانع طبیعی است که جلوی پیشروی اعراب را به فلسطین اشغالی بگیرد (Fried, 2020: 5). به طوری که تا پیش از ۱۹۶۷، بلندی‌های جولان در اختیار سوریه بود و عملاً دمشق بر شمال رژیم صهیونیستی احاطه کامل داشت و به راحتی می‌توانست شمال فلسطین اشغالی را مورد هدف قرار دهد. از سوی دیگر با احتساب کرانه باختری به عنوان سرزمین دولت فلسطین، هارتلند رژیم صهیونیستی، زیر سیطره کامل فلسطینیان و اعراب بود. با این وجود پس از جنگ ۱۹۶۷ و اشغال بیش‌ازپیش سرزمین‌های عربی توسط رژیم صهیونیستی، وضعیت مرزی دولت یهود بهبود پیدا کرده اما برخی تهدیدات به قوت خود باقی مانده‌اند. در ادامه به دلیل استمرار حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بسیاری از سرزمین‌های فلسطین اشغالی، وضعیت مرزهای فعلی این رژیم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مرزهای تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی، مرزهایی هستند که پس از جنگ ۱۹۶۷ و پیروزی دولت یهود بر اعراب شکل گرفته است. از این رو شکل‌گیری مرزهای رژیم صهیونیستی به صورت تحمیلی بوده و این موضوع در ابعاد گوناگونی بر امنیت ملی این رژیم تأثیرگذار است. مرزهای تحمیلی همواره دارای مشکلاتی بوده‌اند؛ چراکه این مرزها از دوام و ثبات کافی برخوردار نیستند و از دید جامعه بین‌المللی نیز مشروع به حساب نمی‌آیند و دولت یهود را به عنوان دولتی اشغالگر قلمداد می‌کند. گذشته از این‌ها، به دلیل تحمیلی بودن مرزها و عدم رعایت عوامل انسانی و فرهنگی در تعیین مرز، هر آن امکان آغاز درگیری و جابه‌جایی مرزی وجود دارد و این امر به دلیل محتمل بودن کشمکش در دو سوی مرزها، ممکن است تبعات امنیتی برای رژیم صهیونیستی به بار آورد.

علاوه بر مسئلهٔ تحمیلی بودن مرزهای فعلی رژیم صهیونیستی، دولت یهود از سمت شمال و شمال شرق به دلیل تصرف بلندی‌های جولان و افزایش برد عملیاتی و نظارتی خود، مرزهای نسبتاً قابل اطمینانی با سوریه و لبنان دارد؛ اما در قسمت جنوب و جنوب شرقی مرزهای خود به دلیل عدم عوارض طبیعی غیرقابل نفوذ و بیابانی بودن این منطقه، با مشکلاتی مواجهه است. از این رو در صورت حملهٔ احتمالی به رژیم صهیونیستی از این سمت، مهاجم می‌تواند به آسانی و با سرعت در عمق سرزمینی این رژیم نفوذ کند. علاوه بر این موارد، رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز با چالش‌های متعددی مواجه است؛ فرورفتگی نوار غزه به داخل سرزمین‌های اشغالی و عدم وجود موانع طبیعی در این قسمت، رژیم صهیونیستی را با تهدیدهای بسیاری روبه‌رو ساخته است. افزون بر این، عدم وجود مناطق حائل بین مناطق مرزی و جمعیت غیرنظامی رژیم صهیونیستی، مشکلی دیگر برای امنیت ملی رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است که در صورت حملهٔ دشمنان، احتمال آسیب‌پذیری جمعیت غیرنظامی افزایش می‌یابد (Eisenkot & Siboni, 2019: 22). علاوه بر غزه، وجود کرانهٔ باختری در عمق سرزمین‌های صهیونیستی نیز مشکل دیگر دولت یهود به حساب می‌آید؛ چراکه در صورت شکل‌گیری دولت مستقل فلسطینی، این رژیم نه تنها با کرانهٔ باختری، مرزهای طبیعی و قابل دفاع ندارد، بلکه رشته کوه‌هایی که در کرانهٔ باختری از شمال تا جنوب آن کشیده شده است، می‌تواند موجب تسلط دولت فلسطینی بر دشت ساحلی رژیم صهیونیستی شود (مارشال، ۱۳۹۹: ۱۶۴) و عملاً در صورت درگیری نظامی، تمام زیرساخت‌های اساسی این رژیم در تیررس دولت فلسطین قرار گیرد. بنابراین ضعف‌های مرزی رژیم صهیونیستی و فقدان عمق راهبردی موجب شده تا سرزمین به‌عنوان عنصری کاهنده و منفی در سیاست امنیتی رژیم صهیونیستی عمل نماید.

گذشته از عامل مرز، موضوع ناهمواری‌ها و اقلیم رژیم صهیونیستی نیز حائز اهمیت است. بیش از نصف سرزمین‌های رژیم صهیونیستی را بیابان ننگ تشکیل می‌دهد. از این رو این منطقه به دلیل عدم شرایط مساعد سکونتگاهی و کشاورزی از تراکم جمعیتی بسیار پایینی برخوردار است و عمدهٔ تمرکز جمعیتی این رژیم در دشت ساحلی رژیم صهیونیستی و در مرزهای لبنان و سوریه قرار دارد. بر این اساس ۷۰٪ جمعیت و ۸۰٪ پایگاه تجاری و صنعتی و بیشتر نهادهای دولتی، مراکز راهبردی و زیرساخت‌های غیرنظامی و نظامی رژیم صهیونیستی در دشت ساحلی و در منطقه‌ای به

مساحت ۱۲۱ کیلومتری از سواحل حیفا تا اشدود قرار دارند که چنین تمرکز جمعیتی و صنعتی یک تهدید امنیتی واقعی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود (فریلیچ، ۱۳۹۸: ۸۶). داهاب از این وضعیت به «گذاشتن تمام تخم‌مرغ‌ها در یک سبد» یاد می‌کند (Dahab, 2019: 186)؛ چراکه تمرکز جمعیتی و زیرساختی در یک منطقه و خالی بودن مناطق دیگر از جمعیت، موجب می‌شود که دشمنان رژیم صهیونیستی بدون هیچ مانعی به عمق سرزمینی دولت یهود هجوم ببرند و همچنین این شرایط هنگام درگیری نظامی و موشکی که در محیط راهبردی رژیم صهیونیستی دور از انتظار نیست، می‌تواند بحران آفرین باشد و تلفات انسانی و مادی بسیاری را به وجود آورد (Eilam, 2022: 138).

در نهایت باید به وجود شبکه‌های آب توجه نمود. کمبود آب همواره در خاورمیانه به‌طور عام و در رژیم صهیونیستی به‌طور خاص مشکل امنیتی تلقی شده است؛ به‌طوری‌که تأسیس موجودیت رژیم صهیونیستی با مسئلهٔ بودن نبود آب پیوند خورده است. قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در خشک‌ترین منطقهٔ جهان، بر امنیت ملی این رژیم تأثیر منفی گذاشته است؛ به‌خصوص اینکه رژیم از همان ابتدا با بحران بی‌آبی دست‌به‌گریبان بوده و امنیت منابع آبی موضوعی بوده که همواره ذهن رهبران دولت یهود را به خود مشغول ساخته است. مشکل بحران آب رژیم صهیونیستی را باید ناشی از موقعیت جغرافیایی این موجودیت دانست؛ موقعیت جغرافیایی این رژیم به‌گونه‌ای است که بیش از نصف سرزمینی‌اش در مناطق خشک و صحرایی قرار گرفته و میزان بارندگی در کمترین مقدار خود است و از سوی دیگر همان‌گونه که گفته شد رژیم صهیونیستی فاقد کوه‌های مرتفع است که بتوانند برف را در فصول سرد ذخیره نماید و به‌تبع آن فاقد رودخانه‌های دائمی در داخل مرزهای بین‌المللی است. از این‌رو در سرزمین‌هایی مشخص شده بین‌المللی برای رژیم صهیونیستی (پیش از جنگ ۱۹۶۷)، هیچ رود دائمی که از داخل مناطق اشغالی سرچشمه گرفته باشد وجود ندارد و منابع آبی اصلی تأمین آب در داخل این رژیم، چند رودخانه فصلی است که از بلندی‌های شمال فلسطین اشغالی سرچشمه می‌گیرد و به دریاچه طبریا (الجلیل) می‌ریزد. رودخانه بانیا از خاک سوریه و رودخانه حاصبانی از لبنانی آغاز می‌شود و در نهایت هر دو به دریاچه طبریا ختم می‌شود (زارع زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۲). از این‌رو عمدهٔ منابع آبی رژیم صهیونیستی در دست همسایه‌های بالادستی است. رژیم صهیونیستی برای رهایی از این بحران جنگ‌ها و تجاوزات

متعددی را آغاز کرده و از این طریق توانسته بلندی‌های جولان و دیگر سرزمین‌های اشغالی را به تصرف خود درآورد و از منابع آبی آن استفاده نماید. رژیم صهیونیستی در پی جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) که به «جنگ آب» نیز معروف شد، با اشغالگری بیش‌ازپیش سرزمین‌ها، توانست تمام چشمه‌ها و ریزآبه‌های رود اردن را تحت کنترل درآورد (شووال، ۱۳۸۹: ۳۳۶). طی این جنگ سهم رژیم صهیونیستی از رودخانه یرموک (که از سوریه سرچشمه می‌گیرد) به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت؛ به‌طوری‌که این رود به‌تنهایی ۳ درصد از نیازهای آبی رژیم صهیونیستی را مرتفع کرد (H. Salmi, 1997: 20).

در این میان اشغال بلندی‌های جولان اهمیت بسیاری در وضعیت آبی رژیم صهیونیستی دارد؛ چراکه اشغال جولان اولاً به دلیل تأمین ۳۳ درصد (یعنی یک‌سوم) از نیازهای آبی رژیم صهیونیستی و دوماً به سبب سیراب کردن دریاچه‌های طبریا و مسعده و همچنین رود اردن که اصلی‌ترین منبع تأمین آب شرب، صنعتی و کشاورزی رژیم صهیونیستی می‌باشد حائز اهمیت است (کاوایانی راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۴). علاوه بر این، رژیم صهیونیستی ۹۰ درصد از منابع مشترک آب کرانه باختری را کنترل می‌کند (El Sayed & Mansour, 2017: 231). مارتین شرمین استاد دانشگاه تل‌آویو معتقد است که خروج رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی بخصوص منطقه جولان، منابع آبی این رژیم را تا ۶۵٪ کاهش می‌دهد (Sherman, 2011). بنابراین رژیم صهیونیستی پس از جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) توانسته با اشغال بلندی‌های جولان، بسیاری از منابع آبی منطقه را از قبیل چشمه‌های باناس، الحماء، سواحل شرقی رود اردن و دریاچه طبریا را به اشغال خود درآورد (نصری، ۱۳۹۳: ۲۵۴) و همچنین، این رژیم توانسته طی جنگ سال ۱۹۸۲ علیه لبنان، با اقدامات خود موجب انحراف آب رودخانه لیتانی و حاصبانی شود و بتواند سالیانه پانصد مترمکعب آب از لیتانی به سوی رژیم صهیونیستی هدایت کند (ولی قلی زاده، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

اما نکته حائز اهمیت در این است که رژیم صهیونیستی علی‌رغم سرقت منابع اعراب، بازهم از معضل بی‌آبی رنج می‌برد و از بین ۱۷ کشور درگیر با بحران شدید بی‌آبی، در رتبه دوم قرار گرفته است. در همین خصوص کمیسر سابق آب رژیم صهیونیستی، مناهم کانتو، ابراز کرد: «در آینده نزدیک با کمبود قریب‌الوقوع آب آشامیدنی مواجه خواهیم شد ... طی چند سال دیگر نیز آب با کیفیت برای کشاورزی وجود نخواهد داشت» (Sherman, 2011). کمبود آب در شمال رژیم

صهیونیستی در ۱۰۰ سال اخیر، بدترین کمبود آب بوده است. روزنامه صهیونیستی در همین خصوص بیان کرد؛ «حتی اگر سال ۲۰۱۸ به قدری بارانی باشد که نتوان این سال را پنجمین سال متوالی خشک سالی نامید، رژیم صهیونیستی همچنان در وضعیت بحران قرار خواهد داشت» (Eliahu, 2018).

این موارد موجب شده است که رژیم صهیونیستی برای تأمین نیازهای آبی خود به تأسیسات آب شیرین کن در سواحل دریای مدیترانه محتاج باشد. به طوری که آب شیرین شده از دریای مدیترانه بیش از ۵۰ درصد از کل مصرف آب رژیم صهیونیستی و ۸۰ درصد از نیازهای آب مسکونی و تجاری آن را تشکیل می‌دهد (Eiran & Rubin, 2020: 21). چنین امری نیازمند منابع عظیم مالی و انرژی است و اثرات زیست محیطی بسیاری نیز به دنبال دارد. از سوی دیگر این تأسیسات آب شیرین کن که در سواحل مدیترانه‌ای آن قرار دارد، در تیررس موشک‌ها و راکت‌های نیروهای مقاومت فلسطینی و حزب الله لبنان است و هر آن امکان مورد هدف قرار گرفتن آن‌ها در تنش‌های بعدی وجود دارد. گذشته از این‌ها رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت مصنوعی خود و جلوگیری از بحران جمعیتی و به هم خوردن توازن جمعیتی با مردمان عرب، نیاز به مهاجرت یهودیان سایر کشورها دارد. اما در صورتی که منابع آبی کاهش یابد، بی‌شک سطح زندگی و رفاه شهروندان کاسته خواهد شد و نه تنها دیگر یهودیان جهان به این منطقه مهاجرت نخواهند کرد بلکه مهاجرت معکوس افزایش خواهد یافت و عملاً موازنه جمعیتی در فلسطین اشغالی دگرگون خواهد شد که این موضوع، تهدید وجودی برای دولت یهود به حساب می‌آید. بعلاوه آب به طور عام و دریاچه جلیله به طور خاص برای یهودیان از اهمیت ایدئولوژیکی برخوردار است (درویش، ۱۳۹۷) و از این رو معضل بی‌آبی و خشک شدن دریاچه‌ها از بعد ایدئولوژیکی و مشروعیت داخلی نیز می‌تواند برای رژیم صهیونیستی دردسرافرین باشد و عملاً امنیت ملی این رژیم را در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی به خطر اندازد.

نتیجه گیری

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس، به سبب ماهیت مصنوعی و تحمیلی‌اش، در تمامی ابعاد (داخلی و خارجی) با بحران‌های امنیتی بسیاری مواجهه بوده است. بدون تردید می‌توان یکی از

علل و ریشه‌های این بحران را وضعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی این رژیم دانست. در این مقاله سعی شد چالش‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در بعد عوامل ثابت ژئوپلیتیکی مورد مطالعه قرار گیرد و سپس تأثیر این عوامل بر امنیت ملی این رژیم شناسایی شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که رژیم صهیونیستی با چالش‌های ژئوپلیتیکی عدیده‌ای روبه‌رو است. این چالش‌ها نه تنها بر سیاست خارجی و امنیتی این رژیم تأثیر گذاشته، بلکه دولت یهود را در یک بن‌بست ژئوپلیتیکی قرار داده است که امیدی برای رهایی از آن بدون توسل به اقدامات تهاجمی وجود ندارد. رژیم صهیونیستی در طول موجودیت خود، سعی کرده با پیگیری برخی سیاست‌ها، چالش‌های ژئوپلیتیکی خود را مرتفع نماید و یا حداقل از شدت آن‌ها بکاهد؛ اما به دلیل ماهیت مصنوعی و تحمیلی این رژیم، چنین سیاست‌هایی نه تنها نتوانسته چالش‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی را بهبود ببخشد بلکه بر تنگناهای ژئوپلیتیکی این رژیم نیز افزوده است. به طوری که رژیم صهیونیستی برای غلبه بر مشکل عمق استراتژیک خود، اقدام به توسعه‌طلبی ارضی کرده (اشغال کرانه باختری، بلندی‌های جولان و ...)، که همین امر روابط این رژیم را با همسایگان و همچنین چهره این رژیم را به عنوان موجودیتی اشغالگر تضعیف نموده است. همین مسائل را می‌توان در خصوص موضوعاتی همچون آب، مرزهای قابل دفاع و... نیز مشاهده کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی با وجود سیاست‌ها و اقدامات بسیار رهبران رژیم صهیونیستی، به قوت خود باقی مانده است و همواره بر امنیت ملی این رژیم سایه افکنده است. این وضعیت که از آن به تنگنای ژئوپلیتیکی می‌توان یاد کرد، به نوعی به تهدید دائمی علیه امنیت ملی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و عملاً ابتکار عمل رهبران رژیم صهیونیستی را در پیگیری اهدافشان محدود ساخته است.

فهرست منابع

- اکالاهان، تری (۱۳۹۴) ژئوپلیتیک، در گریفتس، مارتین، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی
- اینبار، افرایم. (۱۳۹۳). چالش‌های رژیم صهیونیستی در شرق دریای مدیترانه. ترجمه محمد سالاری. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال پانزدهم، شماره چهارم، صفحه ۵۱-۶۵
- پرتو، امین و کریمی، مصطفی. (۱۳۹۲). تأثیر انقلاب و ناآرامی در کشورهای عربی بر امنیت اسرائیل: نظرگاهی درونی. در کتاب بیداری اسلامی در جهان عرب، به اهتمام فرزاد پور سعید، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پیشگامی فرد، زهرا؛ میرزاده کوهشاهی، مهدی. (۱۳۹۳). تبیین عوامل مؤثر در بحران‌زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان. فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۳۶
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی
- درویش، محمد (۱۳۹۷) پیام بحران آب در اسرائیل چیست؟ روزنامه شرق، شماره ۳۲۹۷
- روشندل، جلیل. (۱۳۹۹). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت
- زارع زاده، اکبر (۱۳۹۱) رژیم صهیونیستی سارق منابع آب فلسطینی‌ها، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱۶
- سنیه، افرایم. (۱۳۸۱). اسرائیل پس از ۲۰۰۰، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ و دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- الشهابی، سعید. (۱۴۰۰). بهار عربی به خانه اول برگشت. دیپلماسی ایرانی، کد خبر: ۲۰۰۴۶۴۷
- شوال، هیلل آ. (۱۳۸۹). آب و امنیت در خاورمیانه: مطالعات موردی مناقشات اسرائیل-سوریه. در مارتین، لی جی، چهره جدید امنیت خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق
- عزت‌الله، عزتی (۱۳۹۷) ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت
- فریلیچ، چارلز. (۱۳۹۸). امنیت ملی رژیم صهیونیستی. ترجمه مسعود منزوی. تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۳). روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل. تهران: نشر قومس
- کاویانی راد، مراد و متقی دستنایی، افشین و مختاری هشی، حسین و رشیدی نژاد احمد. (۱۳۹۸). تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک در پیدایش درگیری‌های بین‌المللی؛ نمونه پژوهی اشغال بلندی‌های جولان، فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، ۶۷-۹۳
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۶). دکترین نظامی اسرائیل. تهران، موسسه اندیشه‌سازان نور
- مارشال، تیم (۱۳۹۹) جبر جغرافیا، ترجمه امیرحسین مهدی زاده و فرمهر امیردوست، تهران، انتشارات همان
- مولایی، ابوالفضل؛ کاویانی راد، مراد؛ ربیعی، حسین؛ احمدی، وحیده. (۱۴۰۰). تأثیر کم آبی جنوب غرب آسیا بر قلمرو گسترده هیدروپلیتیک رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و چهارم، شماره مسلسل ۹۲

میر حیدر، دره؛ راستی، عمران؛ میر احمدی، فاطمه سادات. (۱۳۹۸). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران، انتشارات سمت

نصری، قدیر. (۱۳۹۳). مناطق حیاتی خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
ولیعلی زاده، علی. (۱۳۹۸). تبیین نقش آفرینی سیاسی - ژئوپلیتیکی آب در موجودیت اسرائیل. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، شماره اول، ۸۵-۱۱۷

- Arab center for research & policy studies (2020) The 2019-20 Arab Opinion Index: Main Results in Brief.
- Condulescu, Tiberiu. (2009). Geopolitics and foreign policy. The case of israel. Submitted to central European university
- Dahab, mahdi dahab hasan, 2019, "Political Geography and its Impact on Conflict in the Middle East: "Israel and the Arabs as a sample" Tikrit Journal For Political Sciences, 17
- Dayan, uzi (2014) Defensible Borders to Ensure Israel's Future, in ISRAEL'S CRITICAL REQUIREMENTS FOR DEFENSIBLE BORDERS, jerusalem center for public affairs
- Dekel, Udi (2014) Control of Territorial Airspace and the Electromagnetic Spectrum, in ISRAEL'S CRITICAL REQUIREMENTS FOR DEFENSIBLE BORDERS, jerusalem center for public affairs
- Dikshit, Ramesh Dutta, (1982), Political Geography; A Contemporary Perspective. New Delhi, Tata Mc Graw Hill Publishing
- Dormido, Hannah, (2019) These Countries Are the Most at Risk From a Water Crisis, Bloomberg: <https://www.bloomberg.com/graphics/2019-countries-facing-water-crisis/>
- Eilam, Ehud. (2022). The Israeli navy vs. Hamas and Hezbollah, Israel Affairs, 28:1, 137-144, DOI: 10.1080/13537121.2022.2017147
- Eisenkot, Gadi & Siboni, Gabi (2019). Guidelines For Israel's National Security Strategy. The Washington Institute For Near East Policy
- Eliahu, Gil. (2018). Israel is approaching a severe water crisis. Retrieved From: <https://www.haaretz.com/israel-news/business/2018-01-29/ty-article/israel-is-getting-closer-to-a-severe-water-crisis/0000017f-e139-df7c-a5ff-e37bbe6b0000>
- El-Sayed, Mustapha Kamel & Mansour, Rasha Soheil. (2017). Water Scarcity As A Non-Traditional Threat To Security In The Middle East. India Quarterly. Vol 73(2) (Pp227-240). <https://doi.org/10.1177/0974928417699916>
- EMET. (2020). Udea & Samaria – The Disputed Territories Fact Sheet. Retrieved From: <https://emetonline.org/resource/fact-sheet-on-settlements/>
- Faghihzadeh Gorji, Hamed; Eslami, Mohsen & Jamshidi, Mohammad Hossein. (2019). Geopolitical Security Environment of Israel and its Identical Others. Geopolitics Quarterly, Volume: 14, No 4
- Flint, Colin. (2006). Introduction To Geopolitics. London, Publishd Routledge
- Fried, Yoram. (2020). Military, Civilian, Or Both: David Ben-Gurion's Perception Of National Security After The War Of Independence. Contemporary Review Of The Middle East, Vol 7, Issue 2, Pp: 1-18. Doi: 10.1177/2347798920901866
- Goren, Nimrod & Ronen, Eyal & Bayburt, Emir. (2019). Israel, The Eu, And The Mediterranean: Understanding The Perceptions Of Israeli Elite Actors. In Görgülü Aybars & Dark Kahyaoğlu, Gülşah (Eds). The Remaking Of The Euro-Mediterranean Vision. Published By Peterlang. <https://doi.org/10.3726/B15448>
- Guiora, Amos N. (2014). Modern Geopolitics And Security: Strategies For Unwinnable. Crc Press

- H. Salmi, Ralph (1997) Water, The Red Line: The Interdependence Of Alestinian And Israeli Water Resources, *Studies In Conflict & Terrorism*, 20:1, 15-65, Doi: 10.1080/10576109708436024
- Hasson, Shlomo. (2010). Israel's Geopolitical Dilemma, *Eurasian Geography and Economics*, 51:6, 694-715
- Inbar, Efraim. (2012). Israeli Defense: The Arab Uprisings' Impact. *Middle East Quarterly*. Vol 19. No 1. Pp: 39-46
- Kassin, Dylan & Pollock, David. (2022). Arab Public Opinion on Arab-Israeli Normalization and Abraham Accords. Retrieved From: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/arab-public-opinion-arab-israeli-normalization-and-abraham-accords>
- Kelly, Phil. (2016). *Classical Geopolitics: A New Analytical Model*. California, Stanford University Press
- Köprülü, Nur. (2021). 25 years of Jordan-Israel peace-making: from 'warm peace' to 'cold peace'?, *Middle Eastern Studies*, 57:3, 456-468, DOI: 10.1080/00263206.2021.1898381
- Masood Khan, Khalid. (October 16, 2015). The Strategic Depth Concept. Retrieved From: <https://Nation.Com.Pk/16-Oct-2015/The-Strategic-Depth-Concept>
- Morgenthau, Hans. (1948). *Politics Among Nations: The Struggle For Power And Peace*. New York, Alfred Knope Press
- MFA. (2023). Israel - Size and Dimension. Retrieved From: <https://embassies.gov.il/MFA/AboutIsrael/Maps/Pages/Israel-Size-and-Dimension.aspx#:~:text=The%20total%20area%20of%20the,across%20at%20the%20widest%20point>
- Rhodes, Andrew. (2019). Thinking in Space: The Role of Geography in National Security Decision-Making. *Tezas national security*. Vol 2 (4). <http://dx.doi.org/10.26153/tsw/6664>
- Sachs, Natan & Huggard, Kevin. (2020). *Israel In The Middle East: The Next Two Decades*. The Brookings Institution
- Sallam, Moomen & Winter, Ofir. (2017). *Egypt And Israel: Forty Years In The Desert Of Cold Peace*. Strategic Assessment, Volume 20, No 3.
- Schueftan, Dan (2015) Israel's National Security: Challenges And Assets, *Israel Journal Of Foreign Affairs*, 9:1, 7-28, Doi: 10.1080/23739770.2015.1015300
- Sherman, Martin (2011) WATER IN ISRAEL: The Dry Facts, *Israel institute fpr strategics studies*: <https://strategic-israel.org/water-in-israel-the-dry-facts/>
- Sultan, Eman. (16 Jun, 2021). Worldwide Protests Strike Fear In Israel. Retrieved From: <https://www.Dailysabah.Com/Opinion/Op-Ed/Worldwide-Protests-Strike-Fear-In-Israel>
- Waheed, Alyan & Moazzam, Muskan. (2022). Alternatives to Egypt's Suez Canal: Russia's Northern Sea Route & Israel's Ben-Gurion Canal. Retrieved From: <https://www.paradigmshift.com.pk/egypts-suez-canal/>
- World fact book. (2022). Israel. Retrieved From: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/israel/>

